

پانیوم — شماره پنج

د ستا د قوم غله: په نبوت کې د روم لورتیا او زوال

Jeff Pippenger

2025-03-05

کتاب دانیال روایتی نبوی شگفت‌انگیز را آشکار می‌سازد و اصل «تکرار و بسط» را در تار و پود رؤیاهای خود می‌تند؛ اصلی که از پیکره فلزی باب ۲ تا کشمکش‌های پیچیده شاهانه باب ۱۱ امتداد می‌یابد. در درون این چارچوب، استدلالی قانع‌کننده پدیدار می‌شود: نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد، که با سقوط مصر در سال ۳۰ پیش از میلاد به اوج خود رسید، به منزله تحقق محوری از دانیال ۲:۱۱، ۲۶ قرار می‌گیرد و سرآغاز برتری ۳۶۰ ساله روم بت‌پرست را رقم می‌زند.

دانیال ۱۱ با برآمدن و فرو افتادن امپراتوری‌ها پس از مرگ اسکندر کبیر در سال ۳۲۳ پیش از میلاد آغاز می‌شود. با این حال، تا آیه ۱۴، تغییری رخ می‌دهد. در حدود سال ۲۰۰ پیش از میلاد، هنگامی که آنتیوخوس سوم (مگنوس) خود را برای نبرد پانیوم بر ضد بطلمیوس پنجم کودک‌پادشاه آماده می‌کرد، روم مداخله کرد، نه صرفاً به عنوان ناظری بی‌طرف، بلکه به مثابه «غارتگران قوم تو». روم که در میان آشوب هلنیستی نگران تأمین ذخیره گندم مصر بود، در جریان جنگ دوم مقدونی (۲۰۰-۱۹۷ پیش از میلاد) نفوذ خود را به نمایش گذاشت و صحنه را برای نقش نبوی خویش مهیا ساخت.

تسلط روم بر یهودیان

با گذر به سال 63 پیش از میلاد، آیه 16 به تحقق می‌رسد، آنگاه که پومپی به اورشلیم یورش می‌برد، به قدس‌الاقداص وارد می‌شود و حاکمیت روم را بر «سرزمین جلال» برقرار می‌سازد. از اینجا، آیات 17 تا 22 توالی‌ای از شخصیت‌های رومی را ترسیم می‌کنند: لشکرکشی‌های شرقی پومپی، فتوحات ژولیوس سزار و ترور او در سال 44 پیش از میلاد، سلطنت مالیات‌ستان اوگوستوس سزار (که در لوقا 2:1 یاد شده است) که در سال 14 میلادی پایان یافت، و تیرپیوس که بر مصلوب شدن مسیح در سال 31 میلادی نظارت داشت، هنگامی که «رئیس عهد» منکسر گردید. خط نبوت، از پومپی در اورشلیم تا تیتوس در اورشلیم در سال 70 میلادی، خط سیطره روم بر قوم خدا را به نمایش می‌گذارد.

آغاز سخن از آن‌جاست که یک سردار رومی هیکل را بی‌حرمت ساخت، و پایان آن هنگامی است که سرداری رومی هیکل را ویران کرد؛ و این، مهر «الفا و امگا» را پدید می‌آورد. این خط، که با بی‌حرمت‌سازی آغاز می‌شود و با ویرانی پایان می‌گیرد، در سیر تاریخی خود همچنین بی‌حرمت‌سازی و ویرانی آن یگانه‌ای را در بر دارد که درباره خویش گفت: «این هیکل را خراب کنید و در سه روز آن را برپا خواهم کرد.» حقیقت از حرف نخست، حرف سیزدهم، و حرف آخر الفبای عبری تشکیل شده است، و این خط که با پومپی آغاز می‌شود و با تیتوس پایان می‌یابد، ویرانی میانی هیکل را نیز در خود دارد که به وسیله صلیب میانی از میان سه صلیب نمود یافته است؛ صلیب‌هایی که درست در میانه هفته‌ای برپا شدند که مسیح آمد تا عهد را استوار سازد. آیات شانزده تا بیست و دو یک خط نبوی را نمایان می‌سازند که مهر حقیقت را بر خود دارد. در تاریخ بازنمایی‌شده در این آیات، چند خط نبوی مهم وجود دارد، اما مضمون اصلی این خط، سلطه روم بر یهودیان است.

اتحادیه‌ها و معاهدات

آیه ۲۳ با بازگشت به سال‌های ۱۶۱ تا ۱۵۸ پیش از میلاد، هنگامی که یهودیان به رهبری یهودا مکابی با روم پیمان اتحاد بستند (اول مکابیان ۸)، «تکرار می‌کند و بسط می‌دهد». این امر راهبرد منحصره فرد

روم را در امپراتوری سازی برجسته می سازد—فتح از طریق معاهدات و اتحادها، روشی متمایز از پیشینیان آن. آیه ۲۴ این مرحله را به پایان می رساند و خاطرنشان می سازد که روم «نقشه های خود را از دژها، تا مدتی، پیش بینی خواهد کرد».

اور اُس کے ساتھ عہد باندھنے کے بعد وہ فریب سے کام لے گا، کیونکہ وہ چڑھ آئے گا اور تھوڑے سے لوگوں کے ساتھ طاقت ور ہو جائے گا۔ وہ امن کے ساتھ صوبہ کے نہایت زرخیز مقامات تک بھی داخل ہو جائے گا، اور وہ وہ کچھ کرے گا جو نہ اُس کے باپ دادا نے کیا تھا اور نہ اُس کے آباؤ اجداد نے؛ وہ اُن کے درمیان لوٹ، غنیمت اور دولت تقسیم کرے گا۔ ہاں، وہ مضبوط قلعوں کے خلاف اپنی تدبیریں کرے گا، مگر صرف ایک وقت تک۔ دانی ایل 11:23، 24.

برای زمانی

لفظی کہ به «علیه» ترجمہ شدہ است، می تواند به صورت واژه «از» نیز فهمیده شود. روم تدابیر خود را «از» پیش بینی می کند. واژه «از» در این آیه به شهر روم، قلب سیاسی و نظامی امپراتوری، اشاره دارد، به عنوان پایگاه راهبردهای آن. «زمان» از دیدگاه نبوی ۳۶۰ سال است؛ از هنگامی آغاز می شود که مصر در سال ۳۰ پیش از میلاد، پس از آکتیوم، سقوط می کند، و در سال ۳۳۰ پایان می یابد، هنگامی که قسطنطین روم را به سود قسطنطنیه ترک می کند.

آیات ۲۵ و ۲۶ مستقیماً بر خود آکتیوم تمرکز می کنند.

اور او اپنی قدرت اور اپنی دلیری کو ایک بڑی فوج کے ساتھ جنوب کے بادشاہ کے خلاف برانگیختہ کرے گا؛ اور جنوب کا بادشاہ نہایت بڑی اور زور آور فوج کے ساتھ جنگ کے لیے ابھارا جائے گا؛ لیکن وہ قائم نہ رہ سکے گا، کیونکہ اس کے خلاف تدبیریں کی جائیں گی۔ بلکہ جو اس کے دسترخوان کے کھانے میں شریک ہیں وہی اسے ہلاک کریں گے، اور اس کی فوج سیلاب کی مانند بہہ نکلے گی؛ اور بہت سے لوگ مارے جا کر گر پڑیں گے۔ دانی ایل 11:25، 26.

در سال ۳۱ پیش از میلاد، اکتاویان، که نماینده روم به عنوان «پادشاه شمال» بود، نیروهای خود را در یک رویارویی عظیم دریایی بر ضد مصر کلئوپاترا، یعنی «پادشاه جنوب»، بسیج کرد. «لشکر بسیار بزرگ و نیرومند» آنتونی و کلئوپاترا از پای درآمد، زیرا به واسطه «حیله ها» ی راهبردی (تاکتیک های آگریا) و خیانت ها—جدا شدن همپیمانان آنتونی و عقب نشینی کلئوپاترا در میانه نبرد—مغلوب شد. تا سال ۳۰ پیش از میلاد، مصر به یکی از ایالات روم تبدیل شده بود، و بدین سان فرمانروایی بی رقیب روم بت پرست آغاز گردید. این دوره ۳۶۰ ساله، از ۳۰ پیش از میلاد تا ۳۳۰ میلادی، با برتری روم که بر دژ اصلی نخستین آن متمرکز بود، مطابقت دارد، تا آن گاه که انتقال پایتخت به دست قسطنطین آن دژ را «فرو افکند»، چنان که دانیال ۸:۱۱ پیشگویی می کند.

آری، او خویشان را حتی تا رئیس لشکر بزرگ ساخت، و قربانی دائمی به واسطه او برداشته شد، و مکان مقدس او فرو افکنده گردید. دانیال ۸:۱۱.

جب قسطنطین مدینه روماً لأجل مدینه القسطنطینیة، ترك فراغاً في السلطة في مدینه روما، ممّا أتاح للكنيسة البابوية أن تتبوأ مقعد السلطان الذي تمثله مدینه روما. وقد حقق هذا الفعل الآية الثانية من الإصحاح الثالث عشر من سفر الرؤيا.

و آن وحشی که دیدم، مانند پلنگ بود، و پاهایش چون پاهای خرس، و دهانش همچون دهان شیر؛ و اژدها قدرت خویش و تخت خود و اقتداری عظیم را به او بخشید. مکاشفه ۱۳:۲

در دانیال ۸، دو واژه متفاوت عبری که هر دو به «مقدس» ترجمه شده اند، روایت مقدس را در کتاب دانیال از یکدیگر متمایز می سازند. کتاب دانیال نبردی میان مسیح و شیطان را به تصویر می کشد،

چنان که این نبرد در نمایندگان زمینی مسیح و شیطان آشکار شده است. بابل، نماینده زمینی شیطان، در آغاز دانیال اورشلیم را مغلوب می‌سازد، و اورشلیم در آیه چهل و پنجم باب یازدهم بابل را مغلوب می‌سازد. پادشاهی‌هایی که با شهر اورشلیم و شهر بابل نمایانده شده‌اند، «مقدس‌های قوت» هستند. شهرهای بابل و اورشلیم هر دو مقدس‌های قوت‌اند، و هر دو نیز در درون شهر خود معابد خاص خویش را دارند. معبد پانتئون در شهر روم قرار دارد، و معبد اورشلیم در روایت نبوی همتای آن است. بابل و شهر روم، بدل‌های اورشلیم‌اند.

در دانیال ۸، دو واژه عبری به کار رفته است: «miqdash» در آیه ۱۱، آنجا که شاخ کوچک (روم بت‌پرست) «جایگاه مقدس او» را فرو می‌افکند (یعنی شهر روم را)، هنگامی که قسطنطین در سال ۳۳۰ پایتخت را منتقل می‌کند. واژه دیگر «qodesh» در آیات ۱۳ و ۱۴ است، جایی که مقدس خدا پس از ۲۳۰۰ روز در انتظار تطهیر است. هرچند هر دو واژه به «مقدس» ترجمه شده‌اند، «miqdash» می‌تواند یا به دژ خدا یا به دژ بت‌پرستان دلالت کند، حال آنکه «qodesh» در کتاب مقدس تنها برای اشاره به مقدس خدا به کار رفته است.

در دانیال ۳:۱۱، «مقدس قوت» (شهر روم) آلوده می‌گردد، زیرا بربرها و وندال‌ها جنگ را به شهر روم می‌آورند. «بازوها» در این آیه با کلوویس در سال ۴۹۶ آغاز شد و تا زمانی ادامه یافت که روم پاپی در سال ۵۳۸، هنگامی که استروگوت‌ها از شهر بیرون رانده شدند، به طور کامل به برتری رسید.

“ਜਗਜ ਦੇ ਕੌਤੀਮ ਉਲੇਖਤਿ ਵੱਚਿ 30 ਆਇਤ । ਹੈ ਫੈਲਦੀ ਤੱਕ ਅੱਗੇ ਤੋ 330 ਤੋ ਐਕਟੀਅਮ ਲਕੀਰ ਨਬੂਦੀ ਨਾਲ ਇਸ ਅਤੇ, ਲੂਟਿਆ ਨੂੰ ਰੋਮ ਵੱਚਿ 455 ਨੇ ਜਨ੍ਹਿਗ, ਹਨ ਕਰਦੇ ਪਹਿਚਾਣ ਦੀ ਵੈਡਲਾਂ ਅਧੀਨ ਦੇ ਗੈਨਮੇਰਕਿ; ਹੈ ਕਰਦਾ ਰਾਜ ਤੱਕ 1798 ਤੋ 538 ਜੋ, ਹੈ ਉੱਭਰਦਾ ਰੋਮ ਪਾਪਾਈ ਫਰਿ । ਮਲਿਆ ਸੰਕੇਤ ਦਾ ਪਤਨ ਦੇ ਰੋਮ ਪੱਛਮੀ ਨਹੀਂ ਘਾਅ ਘਾਤਕ “ਕਰਕੇ ਕੈਦ ਨੂੰ VI ਪਾਇਅਸ ਨੇ ਬੋਰਬੀਏ ਜਨਰਲ ਦੇ ਨੇਪੋਲੀਅਨ ਤੱਕ ਜਦ, ਤੱਕ ਸਾਲਾਂ 1260 ਪ੍ਰਤੀਬੰਧਿ ਦਾ ਸਾਲਾਂ 1260 ਦੇ ਰੋਮ ਪਾਪਾਈ, ਸਾਲ 360 ਦੇ ਰੋਮ ਮੂਰਤੀਪੂਜਕ ਦੇ ਤੱਕ 330 ਤੋ ਪੂਰਵ ਈਸਾ 30 । ਦੌਤਾ । ਹੈ ਪੈਦੀ ਡੀਗ) ਐਸਟਰੇਗੋਥ, ਮਸਿਰ (ਰੁਕਾਵਟ ਤੀਜੀ ਜਦ ਹਨ ਹੁੰਦੇ ਸੁਰੂ ਵੇਲੇ ਉਸ ਦੇਵੇ; ਹਨ

پادشاه شمال جدید در آیه ۴۰ پدیدار می‌شود. در سال ۱۹۸۹، پاپیت که به طور پنهانی با آمریکای ریگان متحد بود (که به وسیله ارا به‌ها، کشتی‌ها و سواران نمادین شده است)، اتحاد جماهیر شوروی را، یعنی «پادشاه جنوب» (الحاد/کمونیسم)، سرنگون می‌سازد. آیه ۴۱ پاپیت را در حال تسخیر «سرزمین جلال» معرفی می‌کند—و ایالات متحده پروتستان را به ایالات متحده کاتولیک بدل می‌سازد—در حالی که آیات ۴۲ و ۴۳ سازمان ملل متحد را، که به وسیله مصر نمایانده شده است، چنین معرفی می‌کنند که تسلیم اتحادی سه‌گانه می‌شود که از سازمان ملل متحد (اژدها)، واتیکان (وحش) و ایالات متحده آمریکا (نبی کذاب) تشکیل یافته است و جهان را به سوی آرماگدون هدایت می‌کند. آیه ۴۵ پایان این قدرت را پیشگویی می‌کند، «و کسی برای یاری او نخواهد بود»؛ زخم آن در آیه چهل و یک شفا یافته است، اما سرنوشت آن در آیه چهل و پنج مهر شده است.

آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد، کانون آیات ۲۵ و ۲۶ است و سلطنت ۳۶۰ ساله روم را از دژ حرم آن آغاز می‌کند. با در نظر داشتن آیه چهارده به عنوان قید و هشدار، روایت روم بت‌پرست از آیه شانزده تا انتقال به روم پاپی در آیه سی و یک، خط کامل روم بت‌پرست را تشکیل می‌دهد. آن خط به سه بخش تقسیم می‌شود. آیات شانزده تا بیست و دو، خط سلطه روم بر اسرائیل باستان را بیان می‌کند. آیات بیست و سه و بیست و چهار، آن کار امپراتوری‌سازی را مشخص می‌سازد که روم هنگام فتح، از طریق اتحادیه‌ها و معاهدات، همراه با قدرت نظامی، به کار می‌برد. از آیه بیست و چهار تا واپسین عبارت در آیه سی و یک، خطی دویخشی است که دوره‌ای را نمایندگی می‌کند که در آن روم خویشتن را متعالی ساخت، و سپس سقوطی در پی آمد.

«زمان مقرر» پایان ۳۶۰ سال در سال ۳۳۰ است. آیات بیست و هفت تا آخرین عبارت آیه سی و یکم، که معین می‌سازد قدرت پاپی، که به عنوان «مکروه و پرانگر» نمایانده شده است، در سال ۵۳۸ بر تخت نشانده شد، تاریخ روم بت پرست در چهارچوب دوره سید و شصت ساله حاکمیت برتر است، که پس از آن دوست و هشت سال سقوطی تدریجی در پی می‌آید.

لهذا آیت چوبیس کا "وقت" 31 قبل مسیح میں اس طرح شروع ہوتا ہے کہ جنوب کے بادشاہ کی سلطنت کو شمال کے بادشاہ کے دائرہ اقتدار میں شامل کر دیا جاتا ہے، اور یہ 330 میں اس وقت ختم ہوتا ہے جب شمال کے بادشاہ کی تقسیم مشرق اور مغرب میں ہو جاتی ہے۔ 330 سے 538 تک بت پرست روم بتدریج بکھرتا چلا جاتا ہے۔ بت پرست روم کے زوال کے مختلف مراحل سے متعلق مختلف نبوتی تعینات وہ نبوتی لنگر ہیں جو نبوت کے طالب علم کو خدا کے نبوتی کلام کو پہچاننے کے قابل بناتے ہیں۔ دانی ایل گیارہ کی آیت چودہ کی تکمیل میں، روم رویا کو قائم کرتا ہے، اور ان طریقوں میں سے ایک جن کے ذریعے وہ یہی کام کرتا ہے، اس کا سقوط ہے۔ آیت میں لکھا ہے، "اور تیری قوم کے لٹیرے بھی اپنے آپ کو بلند کریں گے تاکہ رویا کو قائم کریں؛ لیکن وہ گر پڑیں گے۔"

آنگاہ کہ کشتی‌های کتیم به روم حمله ور می‌شوند، و پس از آن روم به جنوب حمله می‌کند، این رویداد نه همچون اول بود و نه همچون آخر؛ زیرا از این‌جا به بعد، سقوط قدرت روم به تصویر کشیده می‌شود. چهار شیپور نخست از هفت شیپور مکاشفه که در باب هشتم آمده‌اند، به‌طور مشخص چهار قدرت عمده را توصیف می‌کنند که سرانجام تا سال 476 روم غربی را به پایان رساندند. رؤیا هنگامی استوار می‌گردد که غارتگران قوم تو خویشتن را برمی‌افرازند و سقوط می‌کنند. رؤیای نبوی بر چارچوب سقوط روم ترسیم شده است. روم بت پرست غربی از 330 تا 538 سقوط کرد. روم پاپی در 1798 سقوط کرد. در تاریخ شیپور پنجم و ششم، روم شرقی در 1453 به دست ترکان عثمانی سقوط کرد. آن سه سقوط بخشی از رؤیایی هستند که به وسیله غارتگران قوم تو استوار می‌گردد.

این آیه می‌گوید: «دزدان قوم تو نیز برای برپا داشتن رؤیا خویشتن را برخواهند افراشت؛ اما سقوط خواهند کرد.» از سال 31 پیش از میلاد تا 330 میلادی، روم بت پرست در برتری خود بر جهان «خویشتن را برافراشت». از 330 تا 538، روم بت پرست فرو افتاد تا برای آن مرد گناه آماده شود که در هیکل خدا بنشیند و خویشتن را خدا اعلام کند. از 538 تا 1798، قدرت پاپی «خویشتن را برافراشت»، و در 1798 سقوط کرد. از 31 پیش از میلاد تا 330 میلادی، روم غربی «برافراشته شد» از این جهت که مرکز امپراتوری روم بود، و از 330 تا 476 سقوط کرد. در 330، قسطنطین این را برافراشت که قسطنطنیه مرکز روم شرقی است، و در 1453 روم شرقی سقوط کرد. دوره‌های بازنمایی‌های گوناگون روم، هر یک دوره‌ای را در بر دارند که در آن روم خویشتن را برافراشته می‌سازد، و در پی آن دوره‌ای می‌آید که سقوط آن را به تصویر می‌کشد؛ زیرا «دزدان قوم تو برای برپا داشتن رؤیا خویشتن را برخواهند افراشت؛ اما سقوط خواهند کرد.»

واژه عبری که به «دزدان» ترجمه شده است، بهتر است به «شکنندگان» ترجمه گردد، زیرا با معنای اصلی ریشه سازگاری بیشتری دارد—یعنی شکافتن یا برهم زدن—نه صرفاً «دزدان» (که دلالت بر سرقت دارد). این اصطلاح بر کسانی دلالت می‌کند که مرزها، قوانین، یا عهدها را می‌شکنند، نه فقط اموال را می‌ربایند. در نبوت کتاب مقدس، روم همان شکننده است، هرچند در آیه چهارده به «دزدان» ترجمه شده است. در فصل دوم دانیال، روم پادشاهی آهنین است، و سپس در فصل هفتم، حیوان چهارم نیز روم است.

در این پس، در رؤیاهای شبانه نگرستم، و اینک حیوان چهارمی بود، هولناک و مهیب و بس نیرومند؛ و دندان‌های بزرگ آهنین داشت؛ می‌بلعید و خرد می‌کرد، و با پاهای خود باقیمانده را لگدمال می‌ساخت؛ و از همه حیواناتی که پیش از آن بودند متفاوت بود؛ و ده شاخ داشت. دانیال

چهارمین حیوان - که روم است - دندان‌هایی از «آهن» دارد، زیرا همان چهارمین پادشاهی است که در فصل دوم به صورت آهن معرفی شده است. در آیه هفت، چهارمین حیوان روم «خرد می‌کند»، و چون خرد می‌کند، «باقی‌مانده را با پاهای خود پایمال می‌ساخت». حیوان روم همان پادشاهی آهنین است، و ویژگی خرد کردن و پایمال ساختن باقی‌مانده، نمودار عمل جفا و آزار است. جفایی که بر اسرائیل باستان وارد آمد، یک «علامت» بود.

اور یہ سب لعنتیں تجھ پر آئیں گی، اور تیرا پیچھا کریں گی، اور تجھے جا لیں گی، یہاں تک کہ تو ہلاک ہو جائے؛ اس لیے کہ تو نے خداوند اپنے خدا کی آواز نہ سنی، تاکہ اُس کے احکام اور اُس کے آئین کو مانے جو اُس نے تجھے فرمائے تھے۔ اور یہ تجھ پر نشان اور عجبہ کے طور پر، اور تیری نسل پر ہمیشہ کے لیے رہیں گی۔ اس لیے کہ تو نے خداوند اپنے خدا کی خدمت خوشی اور دل کی شادمانی کے ساتھ، سب چیزوں کی فراوانی کے سبب سے، نہ کی؛ سو تو اپنے دشمنوں کی خدمت کرے گا جنہیں خداوند تیرے خلاف بھیجے گا، بھوک میں، اور پیاس میں، اور ننگے پن میں، اور ہر چیز کی کمی میں؛ اور وہ تیرے گلے پر لوہے کا جوا رکھے گا، یہاں تک کہ تجھے ہلاک کر دے۔ خداوند ایک قوم کو دور سے، زمین کی انتہا سے، تیرے خلاف لے آئے گا، ایسی تیز جیسے عقاب اڑتا ہے؛ ایسی قوم جس کی زبان تو نہ سمجھے گا؛ ایک سخت رو قوم، جو نہ بوڑھے کا لحاظ کرے گی، نہ جوان پر مہربانی دکھائے گی۔ استثنا 28:45-50.

لعنت‌هایی که بر اسرائیل باستان، به سبب شورش ایشان، نازل شد، «نشانه و شگفتی، و بر ذریت تو تا به ابد» است. این لعنت قرار بود به واسطهٔ «امتی با سیمای سخت» بر ایشان آورده شود. آن وحش دندان‌آهنین که در فصل هفتم «خرد می‌کند و باقی‌مانده را پایمال می‌سازد»، همان پادشاهی چهارم نیز هست که از تقسیم پادشاهی اسکندر پدید می‌آید؛ و همان‌گونه که در تثنیه از زبان موسی آمده است، آن پادشاهی امتی است که زبان‌ش برای اسرائیل باستان نامفهوم بود. پادشاهی روم در فصل هشتم دانیال، امتی با سیمای سخت و امتی با زبانی دیگر است.

اکنون این‌که آن شکسته شد و به‌جای آن چهار تا برپا گردید، بدین معناست که چهار پادشاهی از آن قوم برخوانند خاست، اما نه به قوت او. و در اواخر سلطنت ایشان، هنگامی که عاصیان به کمال رسیده باشند، پادشاهی با سیمایی سخت و فهمندهٔ معماهای تاریک برخواند خاست. دانیال ۸:۲۳، ۲۴.

«غارِ تگران (شکندگان) قوم تو» رؤیا را برقرار می‌سازند؛ آنان خویشتن را برمی‌افرازند و سقوط می‌کنند. پادشاهی چهارم آهنین، روم بت‌پرست بود که هنگامی که خویشتن را برمی‌افراشت، به‌طور مطلق فرمان می‌راند؛ اما سقوط نهایی آن به ویژگی‌ای نبوی بدل شد که رؤیا را برقرار می‌سازد. آنان شکنندگان اند، زیرا قوم خدا را از طریق آزار و جفا پایمال می‌کنند.

ما این مطالعه را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.